



بیست و دو سال بعد

این روزها مسئله "امنیت" و چگونگی تامین "امنیت نظام" به یکی از بحث‌های داغ جناحها و سران رژیم تبدیل شده است. بانزدیک شدن موعد "انتخابات" ریاست جمهوری، بر شدت نزاع و اختلاف میان دو جناح اصلی حکومت، افزوده شده و در همین رابطه، جناح برسر موضوع فوق بالا گرفته است. تشدید بازم بیشتر فشار و پیگرد و زندان و شلاق و حبس که حتی مشمول "خودی" ها نیز می‌شود و در یک کلام سرکوب خشن و مستقیم و حداکثر؟ یا کاهش فشارها و محدودیتها و "میدان" دادن به "خودی" ها و ایجاد اندک فضای تعدیل شده‌ای که حداقل گرایشهای "خودی" بتوانند نقش و سهم بیشتری داشته باشند و سرکوب سیستماتیزه تری را سازمان دهند؟ کدامیک و کدام روش "امنیت نظام" را بهتر و "پایدار" تر تامین می‌کند؟ این بحث و اختلاف، اگر چه بحث و اختلاف جدیدی میان حکومتیان نیست، اما اینکه در لحظه حاضر در صدر معضلات حکومت قرار می‌گیرد، به وضوح دلیل دیگری بر تشدید اختلافات و حدت بحران سیاسی و حکومتی است. حکومتی که اکنون بیش از هر وقت دیگر احساس ناامنی می‌کند و سران آن همگی از "ضرورت تامین امنیت" سخن می‌گویند. چگونگی تامین امنیت نظام، بحثش البته در حالی دارد صورت می‌گیرد که جناح خامنه‌ای، و رژیم در کلیت‌ش، به روش خود یعنی با تکیه بر سر نیزه و اختناق حداکثر، سرگرم تامین آن است با این توضیح که در جریان فرود آمدن سرنیزه، بسیاری از "خودی" ها نیز از گزند آن برکنار نمانده و جراحت‌هایی نیز برداشته‌اند. آقای خاتمی و جناح ایشان که خود از تامین کنندگان همین نظم و "امنیت" بوده‌اند اما زخم‌هایی نیز برداشته‌اند، این روش را دیگر نه فقط ناکارا بلکه آن را برای ابقاء نظام خطرناک، و "امنیت" و "آرامش" حاصل از چنین روشی را بی دوام می‌دانند که تداوم آن به انفجار اجتماعی می‌انجامد، انفجاری که پیامدش نابودی کل نظام حاکم است. از همین زاویه هم هست که تمام تلاش این جناح یعنی جناح "دوراندیش" تر رژیم آن است که هر طور شده جناح رقیب را از این خطری که در کمین کل نظام نشسته است آگاه سازد و قبل از آنکه دیگر خیلی دیر شده باشد آنان را سرعقل بیاورد.

صفحه ۲

بحران تشدید می‌شود

بورژوازی اپوزیسیون در تلاش است ابتکار عمل را به دست بگیرد

یک رهبری انقلابی در میان توده مردم، نه فقط تاثیر منفی خود را بر تسریع شرایط عینی برجای نهاده است بلکه این امکان را ایجاد کرده است که بورژوازی خارج از حاکمیت نیز فعال شود و بکوشد که ابتکار عمل را در دست خود بگیرد. تظاهرات روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن همین واقیت را نشان می‌دهد. با فراخوان رادیویی سلطنت طلبان، روز ۲۱ بهمن صدها نفر که در میان آنها گروهی به نشانه سلطنت طلبی و نفرت شان از انقلاب، لباس سیاه برتن کرده بودند، در پارک ملت

صفحه ۶

نشانه‌های تعمیق بحران سیاسی موجود در ایران به وضوح در رشد و گسترش روزافزون نارضایتی و اعتراضات و مبارزات علنی به ویژه در میان کارگران و زحمتکشان و دانش جوینان از یک سو و عمیق تر شدن شکاف در درون هیئت حاکمه، نمایان است. این بحران پس از شکست سیاست‌های جناح به اصطلاح اصلاح طلب هیئت حاکمه، اکنون به مرحله‌ای رسیده است که توده مردم بیش از هر زمان دیگر آماده برانداختن رژیم جمهوری اسلامی هستند. معذا این واقعت به جای خود باقیست که کمبود آگاهی، فقدان تشکل و نبود

مراسم بزرگداشت سیاهکل

صفحه ۵

پیام‌های رسیده به سازمان به مناسبت بزرگداشت سیاهکل

۲، ۴ و ۵

درس‌هایی از

گذشته برای آینده (۲)

۳- در دوران های انقلابی، توده های مردم به اشکال بس متنوعی از مبارزه و سازمان دهی متوسل می شوند که هریک منطبق بر سطح معینی از پیشرفت جنبش، وسعت بحران سیاسی، تاکتیک های طبقه حاکم و شعارهای مرحله‌ای جنبش توده‌ای است. در این دوران است که تدریجا توده‌های مردم ابتکار عمل را از پائین به دست می‌گیرند و دست به آفرینش های تاریخی می‌زنند.

پیدایش موقعیت انقلابی، به سرعت وضعیت جنبش را در گون کرد. دامنه جنبش از محدوده تظاهرات و اعتراضات کوچک دانشجویی، دانش‌آموزی، کسبه و تهی‌دستان فراتر رفت. اعتصاب کارگران شرکت نفت و در پی آن روی آوری کارگران در مهمترین کارخانه‌ها و موسسات به اعتصاب، ابعاد نوینی به جنبش داد و توازن قوا را به کلی به نفع انقلاب و علیه رژیم شاه تغییر داد. کارگران نخست با مجموعه ای از مطالبات اقتصادی

صفحه ۳

به بهانه ۸ مارس

جنبش زنان،

دمکراسی و سوسیالیسم

روز جهانی زن در راه است. هر ساله در چنین روزی توجه افکار عمومی به وضعیت زنان در جامعه، و نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف می‌شود که نیمی از جمعیت جهان به صرف جنسیت شان با آن مواجه اند. در ایران که حکومت مذهبی با تلفیق آشکار دین و دولت، زنان را در معرض ستمی وحشیانه قرار داده است، مسئله زن از موضوعاتی است که توجه به آن به روز و زمان خاصی منحصر نیست. انقیاد زنان یکی از پایه های حکومت اسلام است. و حکومت اسلامی از رهبرش تا مقامات تحت امر او، تا دولتمردان آن وزن ستیزان مونشی که در حکومت اسلامی پست و مقامی دارند، از فرماندهان دستگاههای سرکوب گرفته تا بسیجیانی که منافع شان با این حکومت گره خورده و یا از سر نیاز و یا از سر جهل،

صفحه ۸

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۶)

صفحه ۴

اخباری از ایران

صفحه ۵

بیست و دو سال بعد

سخنان اخیر خاتمی در وزارت کشور از یک سو، و پاسخ خامنه‌ای و رفسنجانی از سوی دیگر، بازتاب دهنده این کشمکش و گویایی این حقیقت است که نظام حاکم که حاکمیتش را با زور و شمشیر تامین کرده است، شدیداً نگران "امنیت" خویش است و در عین حال جز تشدید خفقان و جز زور و سرنیزه راه دیگری نمی‌شناسد.

سخنان خاتمی در مراسم گشایش همایش "امنیت عمومی و وحدت ملی" در روز ۲۴ بهمن برغم تمامی جنبه‌های عوام‌فریبانه آن، با وضوح شگرفی یک بار دیگر کنه تلاش "اصلاح طلبان حکومتی" و تئوری پرداز آن را جهت نجات جمهوری اسلامی و حفظ "حکومت دینی" برملا ساخت. خاتمی با خرج کردن از کیسه مردم و گفتن این که "مردم در صحنه حضور دارند"، در سخنان نصیحت آمیز خود خطاب به جناح رقیب گفت: تا زمانی که مردم در صحنه حضور دارند، امنیت نظام تامین است، اما اگر مردم احساس کنند مسئولان خواستهایشان را برآورده نمی‌کنند - تو گوئی تا کنون "مسئولین" خواست‌های مردم را تامین کرده‌اند؟ - مایوس و از صحنه خارج می‌شوند، که در چنین وضعیتی هیچ نیرویی نه نیروی امنیتی نه نیروی قضائی و انتظامی قادر به حفظ نظام نیست. خاتمی تلاش زیادی به کار برد تا به جناح رقیب خود بفهماند تحمیل یک تفکر و روش، به هر قیمت، "جامعه را در معرض انفجار قرار می‌دهد" و عاقبت هم "جز با تغییر سیستم حکومتی و نظام حاکم جامعه به آرامش نسبی دست نمی‌یابد." آقای خاتمی در ادامه هشدارها و نصایح اش بار دیگر به طرح بدیل خود پرداخت و به یاد مدیرالنبی افتاد که برای جلوگیری از تنش‌های اجتماعی باید زمینه بروز اختلافات و تنشها و منشها" رافراهم کرد او تنها راه تحقق چنین شرایطی را "قانون‌مند کردن جامعه" دانست. تا با تقویت نهادهای مدنی، احزاب، تشکله‌ها، انجمن‌ها "آسیب پذیری نظام" کاهش یابد. به اضافه اینکه این نهادها در نقش واسطه میان مردم و حکومت ظاهر می‌شوند که در شرایط بحرانی مانع از رودرویی مستقیم حکومت با مردم می‌شود. آقای خاتمی در همان حال که ظاهراً با "تاریک اندیشانی" که با هر گونه تحول مخالفند برخورد می‌کرد، بار دیگر قویاً از "اصل حاکمیت دین بر جامعه" دفاع نمود و مخالفین این اصل را همدستان دشمنان "انقلاب و نظام" دانست. خاتمی باز هم با توسل به قانون اساسی و ارائه تعریف خود از "آزادی" و اینکه آزادی در چارچوب تعیین شده در قانون اساسی قابل پذیرش است" و "کسی آزاد نیست امنیت جامعه و مصالح کشور را به خطر اندازد و کشور را بفروشد" (۴) و محل به میانی اسلام باشد! "قانون اساسی را "مبنای تعیین حدود و حقوق اساسی افراد و حکومت" خواند و سرانجام با دفاع گرم از وزارت اطلاعات به عنوان "پشتوانه مطمئن

امنیت کشور" دفاع و تعریف از نیروی انتظامی، ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و "فردانی" از تلاش آنها در "برقراری امنیت" چنین مطرح کرد "اگر نظام تنوع اختلاف را بپذیرفت و برای بروز آن زمینه سازی کرد تا در مجاری پذیرفته شده و معقول حرکت کند و ضابطه رفتار اجتماعی را قانون قرارداد و به داوری نهائی افکار عمومی توجه کرد و به روش‌ها و ساز و کارهای مردم سالار تن داد، در آن صورت امنیت پایدار در جامعه ایجاد خواهد شد!" آقای خاتمی که در سخنرانی مطول خود، تمام "هنر" و ذکاوتش را جهت کاهش آسیب پذیری نظام و "امنیت پایدار" حکومت دینی به کار بست، اما نگفت که این حکومت دینی و اصل حاکمیت دین بر جامعه چه چیزی جز اختناق و سرکوب، جز تبعیض آشکار و تشدید نابرابریهای اجتماعی، جز کشتار و حبس و زندان، جز فقر، بیکاری و بدبختی و تباهی تحویل مردم داده است. اوحی نگفت که طی دوران ریاست جمهوری خود با تاکید مداوم بر حکومت دینی و قانون اساسی چه گلی بر سر مردم زده است که از آنان می‌خواهد در صحنه حضور داشته باشند. از این گذشته آقای خاتمی فراموش کرد بگوید کدام اقدامات و روش‌های جناح رقیب خارج از چارچوب‌های قانون اساسی و "اصل حاکمیت دین بر جامعه" بوده است؟ و از این مهمتر او نگفت در چارچوب این قانون اساسی و اصل حاکمیت دین بر جامعه، چگونه می‌توان به داوری نهائی افکار عمومی توجه و به ویژه به آن عمل نمود و "به ساز و کار مردم سالار تن داد!" باین همه این استاد حرافی و بی‌پهلو گویی، تصریح نمود که "راهی جز حرکت بسوی تثبیت همه جانبه نظام بر پایه قانون اساسی وجود ندارد!" برغم این هشدارها و نصایح و حرافی‌ها، که البته جناح خامنه‌ای بخش مربوط به اصل حاکمیت دین بر جامعه و رعایت قانون اساسی و ضوابط و معیارهای آن را، بدون این لفاظی‌ها، با جدیت بسیار بیشتری از آقای خاتمی و جناح وی دنبال نموده و می‌کند و در عمل مشغول پیاده کردن آن است، دو روز بعد از این سخنان، خامنه‌ای در پاسخی صریح و کوبنده و با گفتن اینکه امنیت نظام با "فلسفه بافی" و جمله پردازی تامین نمی‌شود، بار دیگر از سیاستها و روش‌های جاری دفاع کرد و به دنبال آن رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از موضع خامنه‌ای در سرکوب بیشتر برای جلوگیری از "التهابات سیاسی" به دفاع برخاست. رفسنجانی که نایب رئیس مجلس خبرگان هم هست، در نماز جمعه بیست و هشتم بهمن ماه، اعتراف کرد که این موضوع در اجلاس اخیر مجلس خبرگان نیز مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. او همچنین فاش ساخت که به دستگاه امنیتی و اطلاعاتی دستگاه قضائی و سایر دستگاه‌های و مراکز ذیربط هشدار داده شده است که مواظب "امنیت کشور" باشند و وظیفه شان را با "جدیت" دنبال و هرگونه توطئه‌ای را خنثی کنند!

اینکه بیست و دو سال بعد از زوی کار آمدن جمهوری اسلامی و اعمال شدیدترین سرکوب

سی‌امین سالگرد حماسه سیاهکل را گرامی می‌داریم

سی سال پیش با حمله چریک‌های فدائی خلق به پاسگاه سیاهکل در روز ۱۹ بهمن واقعه‌ای جدید و جدی در جنبش چپ و انقلابی میهن مان به وقوع پیوست که سال‌های متمادی آثار خود را بر این جنبش برجای گذارد.

در طی سی سال گذشته واقعه سیاهکل بعنوان نماد آغاز مبارزه مسلحانه و تداوم آن؛ همچون تمامی وقایع و حرکات برجسته سیاسی و تاریخی از منظر گاه‌های مختلف مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است. بزرگترین نقطه ضعف این جنبش که امروز حتی مورد نقد اکثریت گرامی دارندگان آن نیز قرار دارد، مشی جدا از تنیده آن است. اما جنبش سیاهکل علی‌رغم این نقطه ضعف عمده بیانگر یک آرمان انسانی و پایدار نیز بود. اگر بخواهیم با توجه به مجموعه شرایط اجتماعی، تاریخی و فرهنگی سی سال پیش به آن نگاه کنیم این جنبش شکست سکوت و اقتدار حاکمیت وابسته به سرمایه جهانی، مبارزه برای گسست زنجیرهای اسارت محرومان جامعه و تلاش برقراری آزادی، سوسیالیسم و عدالت اجتماعی را نوید می‌داد.

امروز سالگرد ۱۹ بهمن را درسی امین سالگرد آن با درود به زنان و مردان شیفته جانی‌گرامی می‌داریم که تمامی هستی خویش را در راه آزادی خلق خویش نهادند؛ اهداف زنان و مردان بیشماری را پی می‌گیریم که فروتنانه در برابر تندر ایستادند، خانه را روشن کردند و مردند.

تشکیلات خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۱۹ بهمن ۱۳۷۹

ها و بگیر و ببندها، رژیم هنوز دنبال "تامین امنیت" خویش و "تثبیت نظام" است و بدین منظور باز هم بر شیپور اختناق و سرکوب می‌دمد، این موضوع به نحو بسیار گویائی بن بست نهائی نظام حاکم را بیان میکند و مبین این واقعیت است که دگرگونی سیستم موجود و براندازی نظام حاکم به یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. مستقل از خواست سران رژیم و جناح‌های آن جهت تامین امنیت نظام و ادای سهم در نجات آن، نظام حاکم اما از نظر مردم نظامی منفور و مرده است و راه نجاتی ندارد. انفجار بزرگ اجتماعی که مراسم خاکسپاری این مرده و آغاز یک تحول بنیادی را بر عهده دارد، در راه است. هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز، نه تشدید اختناق و سرکوب و نه "راه کارهای" آقای خاتمی و جرح و تعدیل‌های ایشان در چارچوب "اصل حاکمیت دین بر جامعه"، نمی‌تواند جلو این انفجار بزرگ را بگیرد!

درس‌هایی از گذشته برای آینده (۲)

و سیاسی به اعتصاب برخاستند. برغم این که در آغاز، وزنه مطالبات اقتصادی سنگین‌تر بود، اما ماهیت این مبارزه خصلتی سیاسی داشت و به زودی شعارها و مطالبات سیاسی به شعارها و مطالبات عمده کارگران تبدیل شدند. با روی آوری کارگران و کارکنان و بخش وسیعی از مردم به اعتصاب عمومی سیاسی، شعارها نیز ارتقاء یافت. تا پیش از این شعار عمده مردم آزادی‌های سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک و شعارهایی از این دست بود. اما با شکل‌گیری اعتصاب عمومی سیاسی و نزدیک شدن لحظه قیام، شعار سرنگونی به شعار عمل توده‌ای تبدیل گردید. در واقعیت هم جزاین نمی‌توانست باشد. برغم این که مبارزه مردم‌ازهمان آغاز فرارسیدن دوران انقلابی، مضمونی انقلابی برای سرنگونی رژیم شاه داشت، اما شعار برای توده مردم حکم عمل را دارد. شعارهایی که مطرح می‌کنند شعار عمل آنهاست و تا زمانی که قدرت عمل به شعارها نداشتند، شعار را نمی‌پذیرند. از این رو در آغاز مستقیماً شعار سرنگونی را به میان نکشیدند، و هنگامی شعار مرگ بر شاه را سر دادند که آنرا عملی کردند. در جریان انقلاب، توده مردم مبارزه را به اشکالی خاص محدود نکردند، بلکه به اشکال متعددی از مبارزه از جمله تظاهرات، راه‌پیمایی، تحصن، گردهم‌آئی، جنگ و گریز، خیابانی، ترور، سنگر بندی، بایکوت، اعتصاب اقتصادی، اعتصاب عمومی سیاسی و سرانجام به قیام مسلحانه متوسل شدند. و گاه این اشکال را بایکدیگر تلفیق نمودند. اما مهم‌ترین اشکال مبارزه، تظاهرات توده‌ای، اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بود. اعتصاب عمومی سیاسی که نقش اصلی را در برپائی آن طبقه کارگر برعهده داشت، ضربه‌ای هلاکت‌بار بر رژیم شاه بود. این اعتصاب، شکست سیاسی سنگینی بر رژیم شاه وارد آورد، همچنین این اعتصاب ضربه اقتصادی مهلکی به رژیم بود و بالاخره تمام ارکان رژیم را فلج کرد. اعتصاب عمومی سیاسی هرچند خود یکی از اشکال مهم و موثر مبارزه انقلابی است، اما هنگامی کارائی خود را کاملاً به منصف ظهور می‌رساند که با تظاهرات توده‌ای همراه باشد. در عمل نیز چنین شد و این دو شکل از مبارزه با یکدیگر تلفیق شدند. با این همه اعتصاب عمومی سیاسی و تظاهرات توده‌ای برای سرنگونی رژیم کافی نبود، اعتصاب عمومی سیاسی به شکل عالی‌تری از مبارزه، قیام مسلحانه ارتقاء یافت. در جریان این مبارزات انقلابی، بویژه از هنگامی که اعتصاب عمومی سیاسی شکل گرفت، توده‌های مردم عملاً به فرمانروای جامعه تبدیل شده بودند. آنها زمام امور شهرها و رتق و فتق امور را از طریق ایجاد کمیته‌های محلات، کمیته‌های اعتصاب و شوراهای هماهنگی به دست گرفته بودند. زمانی بود که هر ماموردون پایه دولت، هر

پاسبان و هر عنصری که به نوعی به رژیم وابسته بود بر مردم فرمانروائی می‌کرد و آنها را تحقیر می‌نمود، اما اکنون حتی، بلند پایه‌ترین مقامات دولتی نیز جزرات نداشتند که از خانه‌های خود خارج شوند و یا درملاء عام ظاهر گردند. مردم آزادی‌های سیاسی را با ابتکار انقلابی خویش و بدون توجه به قوانین و مقررات موجود به دست آورده بودند. در دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، خیابان‌ها و در هر گوشه و کنار شهر، مردم آزادانه تجمع می‌کردند و آزادانه بحث و سخنرانی می‌نمودند. مطبوعات به پشتوانه این مبارزه توده مردم از چنگ سانسور دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم شاه نجات یافته بودند. این خود مردم بودند که تصمیم به اعتصاب، راهپیمائی و تظاهرات می‌گرفتند و هیچ مقامی نمی‌توانست آنها را منع کند. ۴- اما توده مردم برغم تمام ابتکارات، دست آوردها، خلاقیت‌ها، مبارزات و از خود گذشتگی‌هایی که در جریان انقلاب از خود نشان دادند و عملاً تمام بار انقلاب بردوش آنها بود، آگاهی و تشکل لازم را نداشتند. رژیم شاه با برقراری دیکتاتوری و اختناق مانع از آن شده بود که طبقه کارگر ایران به عنوان یک طبقه اصلی جامعه، سازمان‌های سیاسی و صنفی خود را ایجاد کند و به منافع طبقاتی خود آگاه گردد. دیکتاتوری عریان رژیم شاه که هرگونه آزادی سیاسی را از مردم سلب کرده بود و حتی خواندن کتاب را نیز جرم می‌دانست، توده مردم را در نا آگاهی و انقیاد نگه داشته بود. رژیم شاه سازمان‌های کمونیست و انقلابی را سرکوب کرده بود. تنها سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به عنوان سازمانی که از منافع کارگران و زحمت‌کشان دفاع می‌کرد، توانسته بود در دوران اختناق و سرکوب موجودیت خود را حفظ کند. اما رژیم شاه بخش عمده نیروهای سازمان ما را اعدام یا در زندانها به بند کشیده بود، از این رو هنگامی که دوران تلاطمات انقلابی آغاز گردید، این سازمان در موقعیتی نبود که بتواند رهبری جنبش توده‌ای را به دست بگیرد. رژیم شاه در دوران رکود و آرامش، به دستگاه روحانیت، به عنوان دستگاهی که وظیفه آن اشاعه خرافات مذهبی و تحمیل مردم‌است، امکان داده بود که فعالیت‌های خود را گسترش دهد. این دستگاه که از حمایت همه جانبه رژیم شاه برخوردار بود، حیظه فعالیت خود را تا دورترین مناطق ایران گسترش داده بود. طرفداران خمینی که از موضعی ارتجاعی به مخالفت با رفرم‌های دهه چهل برخاسته بودند، تدریجاً توانستند نفوذ خود را در این دستگاه گسترش دهند، یک شبکه تشکیلاتی پدید آوردند و فعالیت‌های سیاسی خود را از طریق این دستگاه پیش برند. لذا هنگامی که جنبش انقلابی مردم ایران اوج گرفت، تنها این جریان بود که به شکلی سازمان یافته وارد عمل شد و

کوشید رهبری مبارزات مردم را در دست خود بگیرد. نه تنها امکانات تشکیلاتی و سیاسی گذشته و موجود این جریان به آن امکان می‌داد که برای در دست گرفتن رهبری جنبش مردم تلاش کند، بلکه موضع‌گیری خمینی‌مبنی بر این که شاه باید برود، توده‌نا آگاه را متوهم ساخت. توده‌ها از روی نا آگاهی به خمینی اعتماد کردند. سرانجام خمینی هنگامی توانست موقعیت خود را در رهبری جنبش تثبیت کند که کل بورژوازی داخلی و بین‌المللی به این نتیجه رسیدند که تنها او قادر است، بورژوازی را نجات دهد و به نام انقلاب اسلامی، انقلاب توده مردم ایران را درهم بشکند. با این توافق قرار بر این بود که اوضاع کنترل شود و قدرت به شکلی مسالمت‌آمیز به ائتلافی از بورژوازی اپوزیسیون و سران دستگاه روحانیت واگذار شود. در حالی که مذاکرات و قرار و مدار در بالا در جریان بود، در پایین، توده‌های مردم در پی قیام بودند.

۵- در یک موقعیت انقلابی که اشکال مبارزاتی توده مردم تا به آن حد ارتقاء یافته باشند که کارگران و زحمتکشان به اعتصاب عمومی سیاسی متوسل گردند و کمیته‌های اعتصاب شکل بگیرند، شرایط برای ارتقاء این اشکال مبارزه و سازمان دهی به عالی‌ترین آنها یعنی قیام مسلحانه و شوراها فراهم است. با شکل‌گیری اعتصاب عمومی سیاسی در جریان انقلاب، ابتکار و روحیه انقلابی توده مردم به اوج خود رسیده بود. مردم خواهان مسلح شدن و قیام بودند. رهبری مرتجع جنبش، مخالفت صریح خود را با قیام اعلام نموده بود. حتی هنگامی که گروهی از مزدوران گارد سلطنتی، همافران شورشی را مورد یورش قرار دادند، بلندگوهای خمینی چی‌ها در خیابان‌های تهران مردم را به آرامش دعوت کردند. اما مردم که برای قیام لحظه شماری می‌کردند، لحظه‌ای درنگ نکردند. شور قیام همه جا را فراگرفت. توده‌های مردم با دست خالی به مراکز سرکوب و ستم یورش بردند، پادگان‌ها و کلانتری‌ها را به تسخیر خود در آوردند و مسلح شدند. توده‌ها تنها با قیام مسلحانه‌ای که دو روز به طول انجامید، با دست خود بساط نظام سلطنتی را به کلی از ایران جاروب کردند.

قیام یک رشته معادلات را برهم زده بود. اوضاع پیچیده و بی‌قراری شکل گرفته بود. از یکسو توده مردم اجازه دادند که در بالا قدرت سیاسی در دست مرتجعین قرار گیرد و از سوی دیگر در پایین ابتکار عمل را در دست داشتند و برای تحقق مطالبات خود دست به کار شده بودند و از آنجائی که اعتماد آنها به هیئت حاکمه جدید اعتمادی نا آگاهانه بود، حتی چنین می‌پنداشتند که اقدامات آنها باید مورد تأیید و حمایت هیئت حاکمه قرار گیرد. مرتجعین تازه به قدرت رسیده هنوز در موقعیتی نبودند که بتوانند جلو اقدامات انقلابی مردم و ابتکارات آنها را بگیرند. مردمی که به قیام برخاسته بودند و ارگان‌های سرکوب و ستمگری رژیم شاه را درهم کوبیده

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۶)

گرامی باد یاد مادر مبارز، پنجه شاهی

اطلاع یافتیم که مادر پنجه شاهی یکی از زنان مبارز که فرزندان قهرمانش فدائیان سیمین، نسرین، عبدالله، جعفر (خشایار) و اسدالله پنجه شاهی در مبارزه علیه رژیم شاه و جمهوری اسلامی جان باختند، روز ۲۱ بهمن ماه قلبش از طیش باز ایستاد.

این زن مبارز که در دوران رژیم شاه هم چون فرزندان خود علیه این رژیم مبارزه می کرد و سازمان را در مبارزه اش یاری می رساند، در دوران به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی نیز به مخالفت و مبارزه با این رژیم ادامه داد و فعالانه در همه آکسیونهای اعتراضی سازمان حضور داشت. در جریان انشعاب بزرگ در سازمان، او در زمره آن دسته از مادران جان باختگان فدائی بود که جانبداری خود را از جریان اقلیت اعلام نمود و برای متشکل کردن خانواده های جانباختگان و زندانیان تلاش نمود. او همواره یکی از حاضرین و فعالین جلساتی بود که به این منظور تشکیل می شد. در پی سرکوب های رژیم جمهوری اسلامی او همچنان به مبارزه خود ادامه داد و همواره کوشید با بسیج خانواده های زندانیان و جانباختگان اقدامات اعتراضی علیه رژیم را تشدید کند. او در چندین حرکت اعتراضی در دفاع از زندانیان سیاسی نقش داشت.

یادش گرامی باد.

پیام بازسازی لنینیستی حزب کمونیست فرانسه

رفقای گرامی!

ما به مناسبت سی امین سالگرد بنیان گذاری سازمان فدائیان، گرم ترین درودهای خود را برای مبارزات دلاورانه شما برای سرنگونی حکومت اسلامی، نظام استثمارگری سرمایه داری و یوغ امپریالیسم و برای استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و جامعه های سوسیالیستی در ایران می فرستیم. ما کاملا از اهداف و مبارزات شما پشتیبانی می کنیم. برای این اهداف لزوما باید یک حزب واقعا کمونیست پیشرو را بر پایه نظریات علمی مارکسیست - لنینیست در هر یک از دو کشور ما بنا نهاد. این حزب باید همراه با توده های زحمتکش که نماینده منافع تاریخی طبقه کارگر هستند برپا شود.

با تاکید بر لزوم ادامه همکاری مشترک ما و با توجه به همبستگی انترناسیونالیستی پرولتری، ما برای اقدامات و مبارزات آینده شما موفقیت کامل آرزو می کنیم.

رنه لوفور

دبیر بین المللی هماهنگی فعالان کمونیست برای ادامه انقلابی و بازسازی لنینیستی حزب کمونیست فرانسه
پاریس ۷ فوریه ۲۰۰۱

"راست" سرنگون گردید. تعرض روبه سپیبه چپ، منجر به طرد و انفراد وی از سوی مردمی شد که وی را به قدرت رسانده بودند و دقیقا یکسال پیش صادقانه از او حمایت کرده بودند. همانگونه که دیدیم، به محض آن که راست از سر روبه سپیبه و هوادارانش خلاص شد، فوراً کنترل بر قیمت ها و مواد غذایی را کنار گذارد. تاثیر این اقدام بر عامه مردم مهلک بود. تورم موجب بروز شورش گردید. افزایش قیمت ها، پیگرد و آزار ژاکوبین ها، ولخرجی های ثروت مندان و بورس بازان، سود جویان جنگی، نخوت جوانان طبقه متوسط، همه و همه به خصومت شدیدی منجر گردیدند و نقش مهمی در بروز دو قیام گرسنگان در آوریل و مه ۱۷۹۵ ایفا نمودند. اما آنچه بیش از همه باعث بروز این شورش ها شد، کمبود بی حد و حصرتان بود که در آن زمان جیره به بندی روزانه ۳ تا ۴ اونس کاهش یافته بود. روز ۲۵ مارس، زنان با خواست سهمیه بیشتر نان در داخل و خارج از کنوانسیون دست به تظاهرات زدند. همچنین در "گراویه" و "تمپل" نیز شورش هایی توسط مزد بگیران و زنان خانه دار برپا شده بود. روز اول آوریل، جمعیتی که فریاد می زد: "نان - نان"، کنوانسیون را به تصرف خود در آورد. اما این تظاهرات بدون رهبری و جهت گیری روشن بود. به تظاهرکنندگان هشدار داده شد و به محض حضور نیروهای گارد ملی، بدون هیچ مقاومتی پس نشستند و آنجا را ترک کردند. روز ۲۰ ماه مه تظاهرکنندگانی که به سوی کنوانسیون حرکت می کردند مسلح و خشمگین تر از تظاهرات های قبلی بودند. آنها روی کلاه های که به سر داشتند، یا سنجاق هایی که بر لباس خود زده بودند، شعار شورشگرانه "نان و قانون اساسی ۹۳" را زده بودند. شعار دیگر "نان یا مرگ" بود. اکثریت تظاهرکنندگان را زنان تشکیل میدادند. این تظاهرات شدیداً سرکوب شد. برای اولین بار از سال ۱۷۸۹، حکومت، تظاهراتی را با زور اسلحه سرکوب کرد و با قدرت مردم پاریس را شکست داد. این شکست چنان سنگین بود که آنها دیگر نتوانستند به مدت ۳۵ سال یعنی تا ۱۸۳۰ بعنوان یک نیروی اجتماعی قد علم کنند. در پی این رویداد، کنوانسیون تصمیم گرفت که زنان را از شرکت در اجلاس های محروم کند. لذا در آینده، زنان به شرطی نمیتوانستند به عنوان تماشاچی در اجلاس های کنوانسیون حضور یابند که همراه مردمی باشند که کارت تابعیت داشته باشد.

سه روز بعد، کنوانسیون، تمام زنان پاریس را به نوعی در خانه هایشان محبوس نمود. فرمانی صادر شد که "تا اطلاع ثانوی، تمام زنان باید به منازل خود برگردند. چنانچه یک ساعت پس از صدور این فرمان، تجمعات بیش از ۵ نفر در خیابان ها مشاهده شوند، با زور متفرق می شوند و مادام که نظم عمومی در پاریس حاکم نشده است، دستگیر شدگان در بازداشت باقی خواهند ماند.

شکست انقلاب، به معنای شکست زنان کارگر بود.

در شماره بعد، چرخش زنان به سوی ارتجاع و نتیجه گیری از انقلاب فرانسه درج خواهد شد.

در شماره قبل، افول انقلاب فرانسه و به تبع آن شکست جنبش زنان، از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان نوشته تونی کلیف ترجمه شد. این شماره به شکست جنبش تهیدستان اختصاص دارد.

شکست جنبش تهیدستان

انحلال کلوب های زنان بخشی از کارزاری بود که ژاکوبین ها علیه انجمن های خلقی به راه انداخته بودند. این انجمن ها که برخلاف انجمن های ژاکوبین ها و کوردلیه، رسمی نبودند و حق عضویت ناچیزی دریافت می کردند، به روی زنان و مردان باز بودند. ژاکوبین ها از این انجمن ها متنفر و در هراس بودند، زیرا قادر به کنترل و تحت نفوذ قرار دادن آنها نبودند و نیز به این علت که این انجمن ها، شرکت کنندگان فراوانی جلب می کردند که طرفدار مطالبات توده های کارگر بودند. در مه ۱۷۹۴ این انجمن ها تعطیل شدند. ژاکوبین ها مصمم بودند تا زنان را از مباحث و آکسیون های عمومی منع نمایند، حال چه آنهایی که جداگانه سازماندهی شده بودند و چه آنانی که با مردان در کلوب های خلقی شرکت می کردند. این اقدام با سایر شکست های "تهیدستان" همراه بود. قانون حداکثر، که قیمت کالاها را کنترل می کرد، کنار گذاشته شده بود و عملاً کارکردی نداشت. روز ۹ دسامبر ۱۷۹۴ کنوانسیون این قانون را ملغای اعلام نمود. مخارج زندگی به طرز وحشتناکی افزایش یافت. کمون شهر پاریس، که پایگاه قدرت اعمال دمکراسی مستقیم خلقی بود و میلیشیای انقلابی که کنترل بر قیمت ها را به مرحله اجرا در آورده بود، به تبعیت از حکومت مرکزی واداشته شدند. "هنگامی که انقلاب در حال پیشروی بود، تعلیمات مذهبی به عقب رانده شده بود، تصمیم در مورد لغاء پرستش، در بالا گرفته نشد بلکه از پائین بود. . . مناطق پاریس یکی پس از دیگری کلیسا ها را تعطیل کردند یا آنها را برای مقاصد دیگری به کار گرفتند. . . مردمی که از زیر بار ستم دیرینه ها شده بودند، گویی بال در آورده بودند. آنها بر روی ویرانه های پرستش گاه ها رقص و پایکوبی می کردند. صحنه هایی که در سراسر فرانسه نمایان شد، به هیچیک از آنچه قبلاً رخ داده بود، شباهت نداشت." در اواخر سال ۱۷۹۳، روبه سپیبه کلیسا و مذهب کاتولیک را به وضعیت سابق بر گرداند. او "یک جنبش توده ای را که متهورانه درگیر مبارزه علیه کشیشان و کلیسا بود، تضعیف، متلاشی و منهدم نمود." (گورین - صفحات ۱۴۲ و ۱۴۳)

در طی دورانی که روبه سپیبه از قدرت مطلق برخوردار بود، وضعیت مادی توده های زحمتکش، به شدت وخیم شد. در همان ایام، خصوصاً پس از مارس ۱۷۹۴، کنوانسیون محدودیت دستمزدها را به موردا اجرا گذارد. این امر موجب برانگیختن اعتراضات و بر پائی تظاهرات در محل شهرداری در روز ۹ ترمیدور گشت، روزی که روبه سپیبه توسط

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران بهیوش

دهها تن از کارگران شرکت بهیوش روز چهارشنبه بیست و هشتم دیماه، در برابر بانک صنعت و معدن دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت پاداش عیدی و ۱۸ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. مسئولین شرکت یاد شده، نه فقط بیشتر از یک سال است که حقوق کارگران را نپرداخته اند، بلکه هم اکنون مدتی است که آنها را برای بازخرید تحت فشار قرار داده اند. کارگران این شرکت که از لحاظ اقتصادی شدیداً تحت فشار قرار دارند و در مضیقه مالی به سر می‌برند، به طوریکه برخی از کارگران برای تامین مایحتاج خود، حتی فرش زیر پای خود را نیز فروخته اند، نسبت به زورگویی سرمایه‌داران و تعویق پرداخت حقوق خویش اعتراض دارند و در این تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* اعتراض کارگران به تعطیل شرکت

شرکت گروه قطعات فولادی ایران، به حالت تعلیق درآمده و ۷۰۰ کارگر این شرکت که بیش از دو ماه است حقوق و مزایای خود را نگرفته اند، در معرض بیکاری اند. قابل ذکر است که از مدتی پیش، اداره دارائی، اموال شرکت را به خاطر مطالبات خود ضبط نموده و اداره برق نیز، برق این کارخانه را قطع نموده است و شرکت عملاً به حالت تعطیل درآمده است. کارگران شرکت نسبت به این مسئله اعتراض دارند، خواهان پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و ادامه کاری شرکت می‌باشند. کارگران تهدید کرده اند چنانچه به خواست‌های آنان رسیدگی نشود، در تهران دست به تحصن خواهند زد.

* تظاهرات کارگران کارخانه نساجی "چوخا"

کارگران کارخانه نساجی چوخا واقع در ساری که بیش از ۴ ماه است حقوق نگرفته‌اند، مقابل استانداری مازندران اجتماع کردند. کارخانه چوخا وابسته به بانک صنعت و معدن است و مدیران این کارخانه از ۴ ماه پیش با توقف تولید، از کارگران خواسته‌اند با دریافت معادل ۲ ماه حقوق، خود را باز خرید کنند. کارگران با تجمع شان در مقابل استانداری مازندران، شدیداً به این مسئله اعتراض کردند. آنها خواستار راه اندازی کارخانه، بازگشت شان به کار، و دریافت حقوق عقب افتاده خود شدند. این کارخانه ۳۹۰ کارگر دارد.

پیام تشکيلات آلمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)

به رفقای سازمان فدائیان (اقلیت)
به مناسبت سی امین سالگرد سیاهکل

ما کومه له سی امین سالگرد جنبش سیاهکل را با شماکاردها، اعضا و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) گرامی میداریم و از صمیم قلب برایتان آرزوی موفقیت در راه مبارزه انقلابی‌تان بر علیه سرمایه و استثمار می‌کنیم.

رفقا امروز سالگرد واقعه ای را گرامی می‌داریم که در تاریخ جنبش چپ انقلابی ایران برای همیشه حک شده است. رفقای حدود سه دهه قبل با حرکت انقلابی خود از راه و روش رویزیونیستی حزب توده فاصله گرفته و حرکتی نو را آغاز کردند و جان خود را در این راه باختند. رفقای بودند با نیت و صداقت کمونیستی و انقلابی. یادشان گرامی باد.

از آن زمان تا حال جنبش سوسیالیستی فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته که جای خود دارد در فرصتی مناسب مورد ارزیابی دقیق واقع شود. یکی از مهمترین آنها تجربه قیام ۵۷ است.

قیام ۵۷ اولین و پراهمیت‌ترین پیامش برای ما کمونیست‌ها این بود که با وجود این که طبقه کارگر در پیشاپیش مبارزه بر علیه رژیم استبدادی شاه قرار داشت اما فاقد حزب پیشاهنگ خود بود. رژیم تازه به سرکار آمده اسلامی با تمام قوا وبا وحشیگری بی‌سابقه ای بر علیه دستاوردهای قیام برخاسته و کمر به سرکوب هرنوع آزادی و ترقی‌خواهی بسته بود. هرروز ما شاهد سرکوب بیرحمانه تشکل‌های کارگری و نیروهای چپ و سوسیالیستی بودیم. کومه له ۱۷ سال پیش با صداقت تمام در راه حزب واقعی طبقه کارگر همه هم و غم خود را به‌کار بست و در تشکیل حزب کمونیست ایران مشارکت نمود. این تلاش متأسفانه به ثمر ننشست. این وظیفه هنوز بر دوش ما کمونیست‌ها و کارگران انقلابی ایران هست. ما درست مثل ۱۷ سال پیش به سهم خود آماده ایم صادقانه هرچه در توان داریم در این راه بی‌دریغ به کار بندیم و برعهده همه نیروهای سوسیالیست و چپ انقلابی ایران نیز می‌انیم که در این راه تلاش جدی و آگاهانه به عمل آورند.

در این جا و به مناسبت سالگرد سیاهکل و در کنار گرامی داشت خاطره عزیزان آن قیام، باریگر برایتان آرزوی موفقیت در راه آرمان‌های کمونیستی‌تان می‌کنیم.

زنده باد سوسیالیسم
تشکيلات آلمان کومه‌له

مراسم بزرگداشت سیاهکل

به مناسبت سی امین سالگرد سیاهکل روز بنیانگذاری سازمان مراسم بزرگداشتی از سوی تشکيلات خارج کشور در هانوفر آلمان و مراسم دیگری در استکهلم به همراه رفقای چریک‌های فدائی و جنبش نوین کمونیستی برگزار شد.

جشن سالروز بنیانگذاری سازمان در آلمان عصر روز ۹ فوریه با حضور بیش از ۲۵۰ تن از علاقمندان برگزار شد. در این مراسم نخست دو تن از رفقای سازمان، رفقا مژده فرهی و علی فرمانده، ۳۰ سال جنبش نوین کمونیستی ایران را بررسی کردند. پس از اجرای بخش اول برنامه موسیقی، م. آرم شاعر سرشناس به بررسی تاثیر سیاهکل و مبارزه مسلحانه بر شعر فارسی پرداخت و تعدادی از سروده‌های خود را خواند. مراسم با اجرای برنامه موسیقی توسط مصطفی و نوشین ادامه یافت و با خواندن دسته جمعی سرود انترناسیونال پایان یافت.

* بعد از ظهر روز شنبه ۱۷ فوریه مراسم مشترکی از سوی تشکيلات خارج کشور سازمان، جنبش نوین کمونیستی ایران، و هواداران چریک‌های فدائی خلق در سوئد برگزار شد. مراسم با قرائت پیام سازمان‌های برگزار کننده آغاز شد. بررسی تاثیر سیاهکل بر شعر شاعران ایران توسط عباس سماکار و قرائت اشعار، بخش بعدی برنامه بود. این برنامه همچنین شامل شعر مقاومت زندان، و موسیقی و سرود بود و مورد استقبال بیش از ۲۰۰ تن از علاقمندان قرار گرفت. از سوی تشکيلات خارج حزب کمونیست ایران و کانون فرهنگی - سیاسی تندرو و هسته اقلیت واحد سوئد پیام‌هایی به این مراسم مشترک داده شد که در شماره‌های بعدی نشریه کار درج خواهند شد.

* به مناسبت بزرگداشت سیاهکل پیام - هائی از سوی احزاب و سازمانها و تشکل‌های زبیره سازمان ما ارسال شده است:

- کارگران ایران در تبعید - کانادا
- هسته اقلیت - آلمان
- تشکيلات خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر
- سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) - آلمان
- کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید
- اتحاد فدائیان خلق ایران - آلمان
- هیئت اجرایی شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ
- بازسازی لنینیستی حزب کمونیست فرانسه
- حزب چپ سوئد
- حزب مارکسیست - لنینیست انقلابی - سوئد
- پیام کارگران ایران در تبعید - کانادا در شماره قبلی نشریه کار درج شده است. سایر پیام‌ها در این شماره و شماره آینده نشریه کار به چاپ خواهند رسید.

اخباری از ایران

*تظاهرات کارگران

تخته سه لایی شهیدرجائی ساری

کارگران بیکار شده کارخانه تخته سه لایی شهید رجائی ساری که ۱۴ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، در مقابل استانداری مازندران اجتماع کردند. آنها به وعده های مکرری که طی دو اجتماع قبلی مسئولان استانداری داده اند اما به آنها عمل نکرده اند اعتراض کردند و خواهان رسیدگی جدی به خواسته های خود شدند. کارگران سرانجام پس از اینکه معاون سیاسی امنیتی استاندار و مدیرکل سیاسی انتظامی در جمع شان حاضر شدند و وعده دادند مسئله را حل کنند، به اجتماع خود پایان دادند. این کارخانه متعلق به بخش خصوص است و از دی ماه گذشته در تعطیلی کامل به سر می برد.

*تحصن خانواده های کارگران شرکت مولد ساوه در مقابل فرمانداری

خانواده های کارگران شرکت مولد ساوه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران این شرکت از ۱۷ تا ۱۹ بهمن مقابل استانداری ساوه تحصن کردند. کارخانه یخچال سازی مولد ساوه ۷۰۰ کارگر دارد که ۴۵۰ تن را اخراج کرده و ۲۵۰ تن باقی مانده نیز ۴ ماه است حقوق نگرفته اند و به همین دلیل در درون کارخانه همزمان به اعتصاب دست زدند. کارگران در ۳ سال گذشته بارها به فرمانداری و ادرا کار و امور اجتماعی مراجعه کرده اند، اما به نتیجه ای نرسیده اند. به گفته کارگران هرزمان هم که آنها نماینده ای را انتخاب کرده و برای پیگیری مسائل و مشکلاتشان فرستاده اند، وی از شرکت اخراج شده است. کارگران خواست های خود را در ۱۴ ماده تنظیم کرده و خواستار رسیدگی به آنها شده اند.

* ۲۵ هزار کارگر دیگر در معرض بیکاری

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار اعتراف کرد که بیش از ۳۰۰ واحد بزرگ تولیدی در صنایع نساجی، کفش، پوست و چرم و چوب در حال تعطیل شدن هستند و بیش از ۲۵ هزار کارگر شاغل در این واحدها، که پرداخت حقوق آنها با تاخیر صورت می گیرد، با خطر بیکاری مواجه اند. وی همچنین اضافه کرد که بیش از ۱۴۰۰ کارگاه دارای پرسنل از یک نفر تا ۲۰ نفر در سطح کشور از گردونه تولید خارج شده اند و یا در حالت رکود کامل بسر می برند.

در صفحه ۷

بحران تشدید می شود

بورژوازی اپوزیسیون در تلاش است ابتکار عمل را به دست بگیرد

که هیچ تجربه سیاسی ندارند، توضیح دهد که رژیم سلطنتی در ایران دست به چه جنایات هولناکی علیه مردم ایران زد. امروز هم سلطنت طلب دشمن سوگند خورده توده های کارگر و زحمتکش و دشمن آزادیست. باید به جای تأیید اقدامات سلطنت طلبان، یعنی کاری که برخی از گروه های چپ در برخورد به فراخوان و تظاهرات آنها داشتند، صریحا به مردم بگویند که سلطنت یعنی اختناق، یعنی سرکوب، یعنی زندان و اعدام و شکنجه و ساواک، یعنی دشمنی با توده کارگر و زحمتکش و تحقیر آنها، یعنی بازگشت به یک نظام قرون وسطایی دیگر. به نظر می رسد که برخی از جریان های چپ، درس لازم را از جریان به قدرت رسیدن خمینی و دارو دسته او نیاموخته اند. چپ زمانی بدون تحلیل و ارزیابی از این که خمینی کیست و چه می خواهد و چه خواهد کرد، صرفا به اتکاء وعده ها دروغین او، و با این ادعا که مخالفت و مبارزه خمینی و طرفداران او، سرنگونی رژیم شاه را تسریع می کند، از او حمایت کرد و نتیجه آنرا هم دید. چپ دیگر نباید این اشتباه را تکرار کند. بلکه باید در برابر تمام جریان های بورژوازی قرار گیرد و آنها را در میان مردم افشاء کند و مسیر انقلابی مستقلی را در پیش گیرد. چپ در لحظه کنونی ضعیف است. همه این واقعیت را می دانیم. جریان های بورژوازی در داخل و خارج از رژیم امکانات وسیع سیاسی، تبلیغاتی، مادی و بین المللی دارند، این واقعیت هم بر کسی پوشیده نیست. معذرا هیچ یک از این واقعیت ها نباید مانع از آن گردد که چپ از اتخاذ یک موضع صریح و انقلابی علیه نه فقط کلیت رژیم بلکه کل طبقه بورژوازی که شامل اپوزیسیون های بورژوازی هم می شود، طفره رود. چپ اگر امروز ضعیف است، چشم انداز ارتقاء جنبش توده ای کارگران و زحمتکشان نقطه قوت اوست. اگر قرار است رژیم جمهوری اسلامی از ایران جاروب شود، جز از طریق قیام و انقلاب ممکن نیست. اما انقلاب و قیام هم نمی تواند انجام گیرد جز از طریق حضور و مداخله کارگران و زحمتکشان. هنگامی که کارگران و زحمتکشان در یک جنبش سراسری برای سرنگونی رژیم به پا خاستند، آنها با ابتکار عمل و مطالبات رادیکال به پا می خیزند. اینجاست که چپ آگاه، قدرت می گیرد و می تواند نقش خود را به درستی ایفا کند. به این شرط که از همین حالا در برابر تمام جریان های بورژوازی قرار گیرد، از مطالبات رادیکال توده های زحمتکش دفاع کند و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی تلاش کند.

تجمع نمودند و دست به تظاهرات زدند. نیرو های رژیم این تجمع را مورد حمله قرار دادند و آنها را سرکوب کردند. روز پس از آن یعنی در ۲۲ بهمن نیز تعدادی از دانشجویان و فارغ التحصیلان وابسته به گروه طبرزدی در پارک لاله تجمع نمودند. نیرو های رژیم این تجمع را نیز سرکوب و تعدادی را دستگیر نمودند. در برخی از شهرها نیز نظیر سمنج تظاهرات مستقلی از سوی توده مردم و دانش جویان صورت گرفت.

برگزاری این تجمعات و تظاهرات درست در روزهای که رژیم و نیرو های سرکوب آن در آمادگی کامل به سر می برند، قبل از چیز منعکس کننده شرایط فوق العاده بحرانی حاکم بر ایران است، یعنی شرایطی که حتی سلطنت طلب نیز حاضر است از خانه خود بیرون بیاید و علنا در برابر رژیم جمهوری اسلامی دست به تظاهرات بزند و شعار بدهد. در عین حال این واقعیت را نیز آشکارا نشان می دهد که با تعمیق بحران سیاسی، بورژوازی خارج از حاکمیت در تلاش است ابتکار عمل را به دست بگیرد و از ناراضی توده مردم به نفع اهداف و مقاصد خود استفاده کند. چنانچه در همین تظاهرات پارک ملت، نیز جوانانی حضور داشتند که سلطنت طلب نبودند بلکه صرفا می خواستند اعتراض و مخالفت خود را با جمهوری اسلامی ابراز دارند. در قبال این رویدادها چپ چه موضعی باید اتخاذ کند؟ در پی این اعتراضات دیدیم که برخی از گروه ها و سازمان هایی که خود را چپ می دانند، بدون این که این اعتراضات را از یکدیگر تفکیک کنند و بدون توجه به سازمان دهندگان برخی از این اعتراضات، همگی آنها را در بیست تأیید کردند و مورد حمایت قرار دادند. این موضع عمیقا اشتباه است. مخالفت و دشمنی ما با جمهوری اسلامی هرگز نباید منجر به تأیید و یا حمایت از دیگر جریان های بورژوازی از جمله سلطنت طلبان گردد. چپ باید در همان حال که با جمهوری اسلامی مبارزه می کند، به مبارزه خود با دیگر جریان های بورژوازی ادامه دهد. در اینجا باید دو مسئله را از یکدیگر تفکیک نمود. از یک سو سلطنت طلبان فراخوان یک تظاهرات را داده اند و رژیم جمهوری اسلامی آنها را سرکوب کرده است. چپ باید در چارچوب دفاع خود از آزادی های سیاسی و حق هرفرد و هر گروهی به فعالیت سیاسی، تظاهرات، آزادی بیان و عقیده، اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کند. اما در عین حال باید پیگیرانه علیه سلطنت طلبان و دیگر گروه های بورژوازی تبلیغ کند، آنها را افشاء نماید، ماهیت آنها را مداوم برملا کند. چپ باید صریحا به مردم ایران به ویژه جوانانی

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

اخباری از ایران

* انفجار در کارخانه بلبرینگ سازی و مجروح شدن ۱۱ کارگر

در پی آتش سوزی در کارخانه بلبرینگ سازی تبریز و انفجار ناشی از آن ۱۱ تن از پرسنل این کارخانه دچار سوختگی شده و به بیمارستان منتقل شدند. عدم ایمنی محیط کار و استاندارد نبودن وسائل کار کارگران هر ساله هزاران حادثه ناشی از کار در کارخانه ها را سبب می شود.

* تجمع کشاورزان سرخس در اعتراض به بازپس گیری زمین

تعدادی از کشاورزان منطقه شیرتپه سرخس از توابع استان خراسان در اعتراض به بازپس گیری زمین هایشان در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند. کشاورزان که کفن پوشیده بودند و برخی از آنها همسر و فرزندانشان را نیز همراه داشتند گفتند علیرغم اینکه زمین هایشان دارای سند مالکیت است و از طریق جهاد سازندگی به آنها واگذار شده، با این حال آنها را بازپس گرفته اند.

* بازگشت فئودالها، اعتراض روستائیان

در پی بازگشت یکی از فئودالهای منطقه ماهی دشت که به قصد بازپس گرفتن ۱۰۵ هکتار اراضی کشاورزی این منطقه از دهقانان صورت گرفت، زنان و مردان روستای در مقابل دفتر روزنامه جمهوری اسلامی در کرمانشاه تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به این مسئله شدند. این روستائیان گفتند طی ماه های گذشته در منطقه گاوور گیلانغرب از توابع استان کرمانشاه یکی از مالکین با حکم بازپس گیری زمین ها از روستائیان به منطقه آمد و نیروی انتظامی به حمایت از او به روستائیان حمله کرد که منجر به دستگیری و زخمی شدن تعدادی از زنان و مردان روستایی شد. لازم به توضیح است که دهقانان این مناطق در اوایل انقلاب فئودالها را از منطقه بیرون کردند و زمین ها را میان خود تقسیم نمودند. بعدها هیئت های ۷ نفره جمهوری اسلامی تحت فشار جنبش ناکزیر شد به دهقانان سند زمین هم بدهد. حال بعد از ۲۰ سال فئودالها با حمایت نیروهای دولتی اقدام به بازپس گیری زمین ها می کنند.

و برپاد رفت که قدرت سیاسی در دست ضد انقلاب بورژوازی و اسلامی قرار گرفت. انقلاب آینده نیز از آن قانون مستثنی نخواهد بود. این انقلاب تنها زمانی می تواند به پیروزی برسد که قدرت سیاسی در دست نیروی انقلاب یعنی کارگران و زحمتکش قرار گیرد. این قدرت در ایران، چیز دیگری جز استقرار یک حکومت شورایی نخواهد بود.

(پایان)

* باز خرید های اجباری در استان گیلان

یکی از مسئولین خانه کارگر استان گیلان ضمن اعتراف به باز خرید کارگران و تعطیلی واحدهای تولیدی این استان گفت: کارگران خزرخز تنکابن، جین مد آمل، سیمرغ شمال، تخته سه لا و دهها کارخانه دیگر، امنیت شغلی ندارند. در کارخانه نساجی چوخا که ۴۰۰ کارگر دارد و زیر پوشش بانک صنعت و معدن می باشد، بیش از ۴ ماه است که به کارگران دستمزد نداده اند. کارگران نسبت به این مسئله اعتراض دارند و خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده خود و ضمانت شغلی می باشند.

* تعطیلی فروشگاههای کوثر و بیکاری ۱۵۰ کارگر

تعطیلی تعدادی از شعبه های فروشگاه های زنجیره ای کوثر به بیکاری ۱۵۰ کارگر منجر شده و ۵۰ کارگر باقیمانده را نیز هر لحظه خطر بیکاری تهدید می کند. طی ۸ ماه گذشته ۹ فروشگاه از ۱۲ فروشگاه کوثر در تهران بسته شده اند. این فروشگاهها به سازمان اقتصادی کوثر که تحت نظر بنیاد شهید است، وابسته اند.

* اعتراض به واگذاری بیمارستانهای تامین اجتماعی

مسئولین سازمان تامین اجتماعی در صد آن هستند که بیمارستان تامین اجتماعی شهرستان های خوی، ماکو و میاندوآب را به وزارت بهداشت واگذار نمایند. این تصمیم مورد اعتراض کارگران است. کارگران هشدار داده اند در برابر این اقدام سکوت نخواهند کرد.

* بیمارستان تامین اجتماعی مسجد سلیمان واگذار شد. کار و کارگر در این مورد نوشت: "۱۲۰ هزار بیمه شده این شهرستان در انتظار استفاده از این بیمارستان بودند که دو ماه قبل از افتتاح بیمارستان، آقایان مسئول در تامین اجتماعی، این واحد را چوپ جراح زدند" در همین رابطه رئیس کانون شوراهای اسلامی کار گفت: تا کنون ۴۷ بیمارستان تامین اجتماعی، به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی واگذار شده است.

انقیاد نگهدارد. مردم دوباره بهیما خاسته اند. رژیم با بحران روبروست. نشانه های از قریب الوقوع بودن یک انقلاب جدید دوباره ظاهر شده است. انقلاب گذشته درس های گرانبهایی برای توده های مردم داشت. انقلاب بسی چیزها به مردم آموخت، انقلاب دست آورد های زیادی برای مردم داشت. اما این انقلاب از آن رو با شکست روبرو شد و تمام دست آوردهای انقلابی توده ها لگد مال شد

درس های از گذشته برای آینده (۲)

و مسلح شده بودند، برخلاف خواست و اراده مرتجعین حاکم بر ایران، تا مدتها چنان آزادی سیاسی نامحدودی را در ایران برقرار کردند که حتی در دمکراتیک ترین جمهوری های بورژوازی نیز نمونه آن پیدا نمی شود. این آزادی به هیچ قانون و شرط و شروطی محدود نبود. انتشار نشریاتی که آزادانه می نوشتند فزونی گرفت. میتینگها، راهپیمایی ها و تظاهرات، نیازی به هیچ مجوزی نداشت. کارگران در کارخانه ها ابتکار عمل را در دست گرفته بودند. در همه جا، شوراهای کارخانه را تشکیل می دادند و یکی پس از دیگری کنترل کارگری را معمول می کردند. سرمایه داران یا فرار کرده و یا جرات حضور در کارخانه ها را نداشتند. عوامل سرمایه داران و رژیم شاه به حکم کارگران از کارخانه ها اخراج می شدند. دهقانان در مناطق مختلف ایران زمین های زمین داران را مصادره می کردند و شوراها و اتحادیه های دهقانی را تشکیل می دادند. سربازان و پرسنل انقلابی ارتش، شوراهای پرسنل و سربازان را ایجاد نمودند و با تظاهرات در خیابان ها خواهان برقراری سیستم انتخابی در ارتش بودند. ملیت های تحت ستم دست به کار برقراری خودمختاری شده بودند. مدارس و دانشگاه ها به مراکز فعال آموزش و فعالیت سیاسی تبدیل شده بودند. احزاب و سازمانهای متعدد بدون هر گونه نیازی به کسب اجازه از بالا تشکیل و فعالیت می کردند. هیئت حاکمه که با قیام با وضعیت بغرنجی روبرو شده بود هنوز نا توان تر از آن بود که بتواند جلو ابتکارات انقلابی مردم را بگیرد و دست آوردهای انقلابی آنها را نابود کند. رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای ارتجاعی و ضد انقلابی خود می بایستی نیروهای مسلح خود را بازسازی و سازماندهی کند. نخستین تلاش رژیم، بازسازی ارتش شاهنشاهی بود. لذا کوشید با درگیر کردن ارتش در نبردهای پراکنده بویژه در مبارزه علیه ملتهای تحت ستم آنرا بازسازی کند. گروه های مسلح جدیدی از جمله سپاه پاسداران را تشکیل داد. کمیته های محلات را تا آنجائی که در دست توده مردم بودند، از دست آنها در آورد و به کلانتریهای تحت امر خود تبدیل نمود. گروه های شبه نظامی موسوم به حزب الله را برای انجام عملیات ایذائی علیه سازمان های سیاسی، حمله به تجمعات توده ای و ترور فعالین سیاسی سازماندهی نمود. با این مقدمات، همین که انسجام نسبی را به نیروهای سرکوب بازگرداند و از نظر سیاسی نیز خود را منسجم نمود، یورش گسترده ای را علیه مردم و دست آوردهای انقلابی آنها سازمان داد و با کشتار و سرکوب، رژیم ترور و اختناق را مجدداً در ایران برقرار نمود. اما رژیم ترور و اختناق نمی توانست برای مدتی طولانی توده مردم ایران را در اسارت و

به بهانه ۸ مارس

جنبش زنان، دمکراسی و سوسیالیسم

به خدمت این حکومت ضد بشری در آمده‌اند؛ همواره "دغدغه" وضعیت زنان را دارند. در مقابل این لشکر ارتجاع و جهل و خرافه، زنانی که در ابعادی به وسعت سراسر ایران، در سطوح مختلف و به اشکال گوناگون با مصائبی که نظام طبقاتی برایشان ایجاد کرده و قوانین و فرهنگ حکومت اسلامی به شکل غیر قابل تحملی آنها را تشدید نموده، دست و پنجه نرم می کنند و در بیش از دو دهه گذشته یک دم‌از‌مبارزه علیه این وضعیت خفت‌بار، و برای دستیابی به حقوق انسانی و اجتماعی خود باز نایستاده‌اند. علیرغم این، فرارسیدن روز بین‌المللی زنان فرصت مناسبی است تا لحظه ای بر وضعیت جنبش زنان ایران درنگ کنیم. به ویژه برای ما نیروهای پیشرو جامعه که علیه هرگونه ستم و استثمار مبارزه می کنیم و در رابطه با زنان، خواهان نابودی بیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود ستم جنسی هستیم، بازبینی راه رفته، لازمه ترسیم چشم انداز روشن از مبارزه پیش رو، از چگونگی پیشبرد آن و از رابطه جنبش زنان علیه ستم جنسی با جنبش طبقاتی کارگران علیه استثمار طبقاتی و جنبش عمومی توده مردم برای نیل آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی است. پس از شکست انقلاب سال ۵۷ و حاکمیت جمهوری اسلامی، زنان از نخستین قربانیان به قدرت رسیدن حکومت مذهبی در ایران بودند. قوانین و فرهنگ به شدت عقب مانده و واپس گرایی که حکومت اسلامی تلاش کرد با استفاده از تمام امکانات دولتی بر جامعه حاکم کند، سبب شد زنان صرفنظر از موقعیت طبقاتی و اختلاف منافع شان، به صرف زن بودن از بسیاری از حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی محروم شوند. در همان سالهای اول هزاران زن از موسسات و دانشگاهها و مراکز مختلف اخراج و به خانه ها باز گردانده شدند. اما دخالت قوانین اسلامی و فرهنگ اسلامی حد و مرزی نمی شناخت. برای کوچکترین و خصوصی ترین زوایای زندگی نیز قانون و مقررات تعیین شد. جنبه دیگر اجرای قوانین اسلامی، سلطه بلامنازع مرد در درون خانه بود. این مسائل وضعیت فاجعه - باری را برای زنان به دنبال داشت. اما مدت کوتاهی لازم بود تا زنانی که از حقوق شان محروم شده بودند، بر شوک اولیه فائق آیند و به رودروئی برخیزند. از همین رو مبارزه با حکومت و معیارها و قوانین اش از درون

خانه ها گرفته تا در مدارس و دانشگاهها، اداره و کارخانه وسعت گرفت. مقابله با حجاب اجباری که در هر مقطع از بیست و دو سال گذشته با توجه به توازن قوای میان حکومت و جنبش زنان فراز و فرود داشته‌است، اگرچه آشکارترین و عمومی ترین شکل مقابله زنان با حکومت بوده، اما مطلقاً تنها وجه این مبارزه نبوده است. حق طلبی زنانی که قوانین مربوط به ازدواج، طلاق و سرپرستی فرزندان مشکلات متعددی برایشان ایجاد می کند و دستگاه قضائی جمهوری اسلامی را به ستوه آورده‌اند بخش دیگری از این مبارزه است. مقابله با تبعیض در محیط کار و تحصیل جنبه دیگر، این جنبش سراسری علیه ستم جنسی و برای کسب حقوق برابر است. اگر بخواهیم جنبش زنان ایران از انقلاب ۵۷ تا سال ۷۶ را با سایر جنبش های اجتماعی این دوره مقایسه کنیم باید بردو مشخصه آن انگشت بگذاریم.

۱- جنبش زنان وسیع ترین جنبش اجتماعی این دوره است. زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند. قوانین اسلامی وضعیت زندگی فردی و اجتماعی زنان بطور عام را تغییر داده، این امر موجب جنبشی بسیار گسترده علیه تبعیض جنسی در ایران شده است. ۲- جنبش زنان به جز سالهای اولیه پس از سرکوب ۶۰، از اواخر دوران جنگ ایران و عراق همواره حضوری آشکار و علنی داشته است. این درست است که مادام که سرکوب و ستم و استثمار هست، مبارزه نیز هست، حتی در شرایط رکود سیاسی، مبارزه در درون طبقه کارگر، روشنفکران و سایر اقشار اجتماع هیچگاه متوقف نمی شود بلکه در سطوح بسیار پائین و محدود و به اشکال بطئی ادامه می یابد، اما در سالهایی که سایر جنبشها حتی جنبش روشنفکری برای دمکراسی نیز نمود محسوسی ندارد، در دانشگاهها تحرکی دیده نمی شود، و جنبش کارگری نیز درگیر شرایطی است که جنگ ایجاد کرده، یا تعدیل اقتصادی پیش پایش گذاشته و در نتیجه تحرک قابل ملاحظه ای ندارند، جنبش زنان حضور آشکار و علنی دارد، هرچند که در هر دوره متناسب با شرایط سیاسی جامعه و به اشکالی که امکاناتش اجازه می دهد. بدون شک این تحرک در میان زنان و پیگیری این جنبش در رویارویی با حکومت نقش قابل توجهی در ایجاد شرایطی داشت که در سال ۷۶ به ریاست جمهوری خاتمی انجامید.

(ادامه دارد)

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1017 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagermd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan - minority .org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiyan - minority .org

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.352 feb 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی